

## United States and China's Trade War: The Effects on Iran-China Relations

**Leila Ghaffarzadeh** Ph.D. Candidate, Department of Political Sciences and International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.. E-mail: [leila.ghaffarzadeh@gmail.com](mailto:leila.ghaffarzadeh@gmail.com)

**Kayhan Barzegar** *Corresponding* Professor, Department of Political Sciences and International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran E-mail: [k-barzegar@srbiau.ac.ir](mailto:k-barzegar@srbiau.ac.ir)

**Majid Tavassoli Roknabadi** Associate Professor, Department of Political Sciences and International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: [tavasoli@gmail.com](mailto:tavasoli@gmail.com)

### Article Info

#### Article Type:

Reserch Article

#### Keywords:

United States,  
Economic Diplomacy,  
China,  
Iran

### ABSTRACT

China's overarching strategy has consistently emphasized its aspirations to become a global power and surpass the United States. Its policies have revolved around deconstructing the values and established norms created by the United States, creating and shaping new regional orders, and ultimately expanding its influence and outpacing the US. China's efforts to upset the balance of military and economic power culminated in the initiation of a trade war in 2018, casting uncertainties over the future political and economic relations between China and the US. China not only needs to seek alternative consumer markets but can also strengthen its Belt and Road Initiative by enhancing political, economic, and military relations with regional countries. Additionally, by establishing closer ties with oil-rich nations, China can secure its energy interests. Consequently, one might question whether the deteriorating relationship between China and the US will bring Iran and China closer together. By adopting an interpretative-analytical approach and utilizing the theoretical framework of structuralism, this study hypothesizes that similarities and political, economic, and military needs between Iran and China can be significant factors in shaping a coalition between the two countries. Iran can leverage China's support to advance its own objectives, while China can rely on Iran to ensure energy security, advance the Belt and Road Initiative, and counter America's progressive policies in the region.

**Cite this Article:** Ghaffarzadeh, L. , Barzegar, K. and Tavassoli Roknabadi, M. (2025). United States and China's Trade War: The Effects on Iran-China Relations. *International Relations Researches*, 14(4), 31-61. doi: 10.22034/irr.2023.403527.2401



© Author(s)

**Publisher:** Iranian Association of International Studies

**DOI:** 10.22034/irr.2023.403527.2401



## جنگ تجاری آمریکا و چین؛ تأثیرات آن بر روابط ایران و چین

لیلا غفارزاده دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق الهایت و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: leila.ghaffarzadeh@gmail.com

کیهان برزگر نویسنده مسئول، استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق الهایت و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: k-barzegar@srbiau.ac.ir

محمد توسلی رکن آبدی دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق الهایت و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: tavasoli@gmail.com

در باره مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی	سیاست‌های چین ابتدا حول محور بی‌ارزش ساختن نظم منطقه‌ای ساخته شده توسط آمریکا، در تلاش برای شکل دادن به نظم منطقه‌ای جدید و قدرت گرفتن در منطقه و اتخاذ سیاست گسترش و پیشی گرفتن از آمریکا بوده است. تلاش‌های چین برای برهم زدن موازنه قدرت نظامی و اقتصادی به تیرگی روابط آمریکا و چین انجامید و در نهایت منجر به شروع جنگ تجاری در سال ۲۰۱۸ شد. با شروع جنگ تجاری، آینده روابط سیاسی و اقتصادی چین و آمریکا در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت. چین نه تنها باید به دنبال جایگزین کردن بازارهای مصرفی‌اش باشد، بلکه می‌تواند با قدرت بخشیدن به روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی‌اش با کشورهای منطقه، نه تنها برنامه یک کمربند یک جاده خود را تقویت کند، بلکه با نزدیکی به کشورهای نفت‌خیز، امنیت انرژی خود را نیز تأمین نماید. بنابراین آیا می‌توان متصور شد با تیرگی روابط بین چین و آمریکا، رابطه ایران و چین نزدیک‌تر می‌شود؟ با بهره‌گیری از رویکردی تبیینی-تحلیلی و کاربست نظریه سازه‌نگاری، مطابق فرضیه این پژوهش، شباهت‌ها و نیازهای سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران و چین می‌تواند عامل مهمی در شکل‌گیری ائتلاف بین دو کشور باشد چرا که ایران می‌تواند از حمایت چین برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند و در نقطه مقابل چین هم می‌تواند از ایران برای تأمین امنیت انرژی، پیشبرد برنامه یک کمربند و یک جاده و نیرویی برای مقابله با سیاست‌های پیشروی آمریکا در منطقه استفاده کند.
<b>کلیدواژه‌ها:</b> ایالات متحده، دیپلماسی اقتصادی، چین، ایران	
<b>تاریخچه مقاله</b> تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵	

**استناد به این مقاله:** غفارزاده، لیلا، برزگر، کیهان و توسلی رکن آبدی، مجید. (۱۴۰۳). جنگ تجاری آمریکا و چین؛ تأثیرات آن بر روابط

ایران و چین. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۴)، ۳۱-۶۱. doi: 10.22034/irr.2023.403527.2401

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





آنچه که امروزه به شکل جنگ تجاری میان ایالات متحده و چین خوانده می‌شود، معلول کسری تجاری تاریخی آمریکا نسبت به چین و اتهامات این ابر قدرت به اتخاذ رویکرد ناعادلانه تجاری چین است. حجم تجارت آمریکا و چین از اواخر دهه ۱۹۷۰ که مصادف است با اصلاحات اقتصادی در چین، همواره در حال گسترش بوده است. در حالی که امروزه چین و آمریکا بزرگترین اقتصادهای دنیا هستند، در سال ۲۰۰۰ میلادی ارزش اقتصادی چین یک دهم تولید ناخالص داخلی آمریکا بود. اما با ورود چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، همکاری اقتصادی دو کشور بیشتر شد و هر دو طرف مهمترین و بزرگترین شرکای تجاری یکدیگر شدند. در حال حاضر چین با ۵۵۸ میلیارد دلار مبادله دو طرفه کالا در سال ۲۰۱۹، بزرگ‌ترین شریک تجاری آمریکا است؛ در حالیکه چین سومین بازار صادراتی کالا برای آمریکا می‌باشد. در طول تاریخ ارقام مبادلات تجاری حاکی از آن است که واردات آمریکا از چین همواره بیشتر از صادراتش به چین بوده است و این مهم علت شکل‌گیری کسری تجاری رو به افزایش آمریکا به چین است. چین بزرگترین تأمین‌کننده کالاهای وارداتی آمریکا می‌باشد. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۹ ارزش صادرات کالا از آمریکا به چین معادل ۱۰۶.۴ میلیارد دلار (۱۱.۵ درصد کاهش از ۲۰۱۸، اما بیش از ۵۰ درصد افزایش از سال ۲۰۰۹) بوده در حالی که ارزش واردات کالا از این کشور معادل ۴۵۱.۷ میلیارد دلار (۱۶.۲ درصد کمتر از ۲۰۱۸ و بیش از ۵۰ درصد بیشتر از ۲۰۰۹) بوده است. جنگ تجاری آمریکا و چین را می‌توان در چارچوب یک تنش تجاری قلمداد کرد که تا به امروز ادامه دارد. نقطه آغاز این جنگ را می‌توان فشارهای اقتصادی ترامپ بر بیجینگ برای تغییر در آنچه ترامپ به عنوان سیاست‌های ناعادلانه تجاری قلمداد می‌کرد، دانست. ترامپ برای تعدیل در این سیاست‌ها که شامل اجبار به انتقال تکنولوژی، محدودیت دسترسی به بازار، دزدی مالکیت معنوی و یارانه و حمایت از شرکت‌های با مالکیت دولتی می‌باشد، در سال ۲۰۱۸ تعرفه و دیگر محدودیت‌های تجاری بر چین اعمال کرد تا بتواند از کسری تجاری بین دو کشور بکاهد. آغاز رسمی تنش‌های تجاری را می‌توان با اعمال تعرفه‌های مشابه چین بر آمریکا و متهم کردن ترامپ از سوی سران چین به اتخاذ سیاست‌های حمایت‌گرایانه ملی‌گرا دانست اگرچه دو طرف به گام اول برای مذاکره در سال ۲۰۲۰ دست یافتند اما تنش‌ها ادامه داشت و انتظار می‌رود که در دوره ریاست جمهوری بایدن نیز ادامه پیدا کند.

از طرفی، راهبرد چین برای مقابله با مانورهای سیاسی آمریکا برای مهار قدرت‌اش می‌تواند در چند فاکتور مهم خلاصه شود. اول، برنامه گشایش همه‌جانبه است که در این برنامه، هدف چین بازگشایی



بازار کالا، بازار خدمات و بازار سرمایه‌گذاری بر روی جهان است. استراتژی دوم همانطور که ذکر آن رفت، پیشبرد ایده یک کمربند یک جاده است که بتواند از طریق اتصال سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا مسیرهای جدید اقتصادی و سرمایه‌گذاری برای خود ایجاد کند. استراتژی سوم این کشور اصلاحات ارزی و اصلاحات داخلی اقتصادی این کشور است تا علاوه بر حمایت از ثبات ارزی یوان در برابر دلار، با ارائه صنایع نوین و تولیدی مدرن و هایتک به تعدیل ساختار اقتصادی بپردازد و به ثبات و کارآمدی اقتصادی‌اش کمک کند. در نهایت مهمترین استراتژی چین تأمین انرژی است. تا قبل از شروع تنش‌های تجاری آمریکا و چین، گزینه‌های موجود برای چین یا نادیده گرفتن تحریم‌های یک جانبه آمریکا بر ایران و ادامه روابط با ایران، خرید نفت و سرمایه‌گذاری‌های بیشتر در این کشور بود. چین در راستای استراتژی موازنه نرم هرگز به شکل مستقیم با آمریکا مخالفت نکرده و بنابراین همیشه در راستای منافع شورای امنیت رأی داده است اما در این میان همواره از همکاری با غرب در اعمال تحریم‌ها دوری کرده و حتی بعضاً با ادامه همکاری با ایران، تحریم‌ها را بی‌اعتبار و بی‌نتیجه ساخته است. نگاه چین به ایران ریشه در چشم‌اندازهای این کشور برای مقابله با آمریکا به عنوان رقیب منطقه‌ای، سیاسی و اقتصادی دارد. مع الوصف در پژوهش حاضر سؤال اصلی این است که آیا می‌توان متصور شد با تیرگی روابط بین چین و آمریکا، رابطه ایران و چین نزدیک‌تر می‌شود؟ مطابق فرضیه این پژوهش، شباهت‌ها و نیازهای سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران و چین می‌تواند عامل مهمی در شکل‌گیری ائتلاف بین دو کشور باشد چرا که ایران می‌تواند از حمایت چین برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند و در نقطه مقابل چین هم می‌تواند از ایران برای تأمین امنیت انرژی، پیشبرد برنامه یک کمربند و یک جاده و نیرویی برای مقابله با سیاست‌های پیشروی آمریکا در منطقه استفاده کند. لازم به ذکر است که در این پژوهش روش گردآوری داده‌ها مبتنی بر کتابخانه‌ای و الکترونیکی، رویکرد تبیینی-تحلیلی و ملهم از نظریه سازه‌انگاری است.

#### ۱. پیشینه پژوهش

محسن شریعتی‌نیا مقالات متعددی با موضوع چین و ایران نوشته است. از جمله این مقالات می‌توان به «چین، امنیت انرژی و سیاست خارجی» اشاره کرد. وی در این مقاله به نیاز روز افزون چین به انرژی و به سیاست خارجی و جهت‌گیری‌های چین از جمله سرمایه‌گذاری در کشورهای دارای ذخایر نفتی و ایجاد پیمان‌های همکاری با آنها اشاره می‌کند. با اشاره به امکان افزایش آسیب‌پذیری استراتژیک چین به دلیل افزایش وابستگی به آمریکا، روابط چین را با کشورهای تأمین‌کننده نفتی از جمله ایران بررسی می‌کند. مقاله دیگر شریعتی‌نیا که از نام آن بر می‌آید، «عوامل تعیین‌کننده روابط ایران و چین» به متغیرهای



گوناگون در شکل‌گیری روابط این دو کشور می‌پردازد و معتقد است چنانچه متغیرهایی چون عوامل اقتصادی، نظامی و همکاری‌ها در حوزه انرژی مشوق روابط بیشتر هستند، روابط چین با غرب را از عوامل محدودکننده می‌داند که نقش مهمتری دارند و باعث کمترشدن روابط شده‌اند. این مقاله که پیش از شروع جنگ تجاری آمریکا و چین نوشته است، روابط آمریکا و چین را پس از گذر از همکاری‌ها و رقابت استراتژیک، تثبیت شده می‌داند.

در مقاله جدیدی تحت عنوان «روابط چین-ایران: نه خیلی خاص» نوشته کالابریس، رابطه اقتصادی ایران و چین - بویژه در راستای تأمین انرژی چین- و همچنین جانبداری چین از ایران در مقابل فشارهای آمریکا برای جلوگیری از تنش در منطقه، بررسی و تحلیل می‌شود. در این مقاله نه تنها سیاست‌های چین در منطقه در قبال ایران بررسی می‌شوند بلکه سیاست‌های آمریکا در رابطه با چین (رقابت استراتژیک با چین) و ایران (تغییر گسترده در روابط تنش‌زای ایران) بررسی می‌گردد و رابطه چین و ایران را به شدت متأثر و مشروط بر سیاست‌های آمریکا در این راستا می‌داند.

در کنار مقاله ایزدی و خدایی «تحریم‌های آمریکا در روابط ایران و چین»، روزنامه‌هایی چون بلومبرگ، فایننشال‌تایمز و همچنین ایسنا، شرق و مهر در چارچوب خبرهای کارشده و انعکاس نظرات صاحب‌نظران و سیاستمداران به تأثیر رابطه چین و آمریکا بر روی ایران پرداخته‌اند. به عنوان مثال اقتصاد آنلاین با تیتر «ایران برنده جنگ تجاری آمریکا و چین» معتقد است یکی از واکنش‌های چین به اعمال تعرفه بر کالاهای چینی افزایش واردات نفت از ایران می‌باشد.

با توجه به آنکه روابط سیاسی و اقتصادی ایران و چین از سابقه طولانی برخوردار است، پژوهش‌های مختلفی چه در داخل و چه در خارج به بررسی آن از جوانب مختلف پرداخته‌اند. با توجه به آنکه موضوعیت جنگ تجاری آمریکا و چین به خودی خود دارای موضوعیت جدیدی می‌باشد و از سال ۲۰۱۸ تحریم‌های دوطرفه آمریکا و چین بر روی کالاهای یکدیگر آغاز شده است، پژوهشی که به شکل مستقیم آثار این تنش‌ها را بر رابطه ایران و چین بررسی کند، صورت نگرفته است؛ لذا مقتضی است که بررسی‌های بیشتری در این زمینه صورت بگیرد. در این مطالعه تغییر، چرخش و یا شفاف‌سازی راهبردهای سیاست خارجی سیاستمداران ایران و چین در چارچوب تأمین منافع امنیت ملی هر یک در دوره پساجنگ تجاری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بنیان این پژوهش بر استفاده از ترکیبی از مطالعات موجود در زمینه تاریخچه روابط ایران و چین در زمینه سیاسی، اقتصادی و نظامی بنیان‌گذاری شده و پس از بررسی وضعیت موجود به تبیین و تحلیل احتمال همگرایی بیشتر بین دو کشور که معلول



سیاست‌های مشابه علیه نفوذ آمریکا در منطقه و نیازمندی‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی مشترک است، پرداخته خواهد شد.

## ۲. چارچوب نظری: سازه‌انگاری

با اتکا بر نظریه سازه‌انگاری که در آن دولت‌ها بر پایه ایده‌ها، زبان و مفاهیم روابط و واقعیت‌های بین دولتی را می‌سازند، می‌توانند آینده نظام بین‌الملل در برداشت سیاستمداران آمریکا و چین از آینده خود و روابطشان با دیگری تبیین کرد. این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌کند که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معناسازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. با توجه به اینکه بر طبق این نظریه، هویت‌ها و هنجارها و فرهنگ هستند که نقش تعیین‌کننده در ایجاد سیاست‌های کشورها دارند، بنابراین می‌توان با تکیه بر فرهنگ و هنجارهای دولتها، منافع و هویت آنها را شناسایی کرد و روابط بین دولتی تنها بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائل هستند. سازه‌انگاران در تلاش هستند که چگونگی ایجاد و پایه‌گذاری هنجارها را در روابط بین‌الملل درک کنند. جوامع انسانی رفتارهای مناسب را از داستان‌های که مورد قبولشان است و از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌دهند، می‌سازند. این داستان‌ها از ایده‌های قدرت و تأثیرگذاری نشأت می‌گیرد. این سازه‌های اجتماعی یک دانش عمومی و مشترک بین مردم ایجاد می‌کند. اگرچه ایجاد دانش مشترک در دوره بین‌المللی شدن به طور مساوی رخ نمی‌دهد و قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل قدرت قانون بیشتری دارند و می‌توانند تا حدودی هنجارهای بین‌المللی را بر طبق خواسته‌های خود بسازند. بنابراین در نظام سیاسی بین‌الملل، دولت‌های با اقتدار بیشتر بر دیگر دولت‌ها در تصویرسازی از خودشان، از دیگر دولت‌ها و چگونگی دیده‌شدن از سوی دیگر دولت‌ها تأثیر می‌گذارند. اگر دولتی قدرت نوظهور را به عنوان تهدیدی تجدیدنظرطلب تلقی کند و در چارچوب استراتژی واقع‌گرایی تهاجمی عمل کند، قطعاً تنش بین دو دولت اجتناب‌ناپذیر خواهد بود و درست در نقطه مقابل، اگر دولت‌ها، دولت‌های دیگر را خواهان برقراری دیالوگ دیپلماتیک بدانند، احتمال آنکه دولت‌ها به یک راه حل دیپلماتیک برسند بسیار زیاد خواهد بود.

هسته اصلی چارچوب سازه‌انگاری آن است که دولت‌ها یک هویتی از خود می‌سازند که به بهترین وجه آنها را در مقابل دیگران اعم از داخلی و خارجی نشان دهد. دولت‌ها در تلاش هستند تا هویتی از رفتارهای مناسب و نقش مفید بین‌الملل از خود نشان دهند و زمانی که چشم‌انداز داخلی دولت‌ها با آنچه که دیگر دولت‌ها از آن برداشت می‌کنند، مطابقت نداشته باشد و بویژه اگر جامعه بین‌المللی هویت



انتخاب شده دولتی را رد کند، احتمال ایجاد تنش در جامعه بین‌المللی و نهایتاً وقوع تنش جدی وجود دارد. بنابراین در سازه‌انگاری، منافع دولت‌ها حاصل روابط اجتماعی است و روابط دولت‌ها در چارچوب معنایی که برای یکدیگر قائل هستند، تعریف می‌شود. ساختارها و هنجارها به اندازه ساختارهای مادی در این نظریه مهم هستند و هویت‌ها و هنجارهای عنصر اصلی شکل‌گیری منافع و کنش‌های متقابل بین دولت‌ها هستند و ساختار و کارگزار در یک رابطه دو سویه بر یکدیگر اثر می‌گذارند و یکدیگر را می‌سازند. به اعتقاد واینر (۲۰۰۳) محیط جهانی تنها به عوامل مادی محدود نمی‌شود بلکه فاکتورهای فکری و هنجاری نیز اهمیت دارند و همچنین دولت‌ها، منافع و هویت آنها را از پیش تعریف شده نمی‌داند بلکه خصوصیات و سیاست‌های دولت‌ها در معلول تعاملات آنها و محصول کنش‌های اجتماعی می‌داند. این تعاملات گستره‌ای از مذاکرات، چانه‌زنی، بحث و استدلال و ارتباط همگانی، سخنرانی‌ها و علامت‌ها می‌باشد. بنابراین برای تحلیل روابط خارجی و یافتن چرایی سیاست خارجی دولت‌ها باید به هنجارها و نقش هویت‌ها در شکل‌گیری آنها پرداخت. لازم به ذکر است که سازه‌انگاری را نمی‌توان تنها محدود به هویت و فاکتورهای ایده‌ای در روابط بین‌الملل کرد بلکه به اعتقاد رویس سمت، سازه‌انگاری باید به دو دسته فراملی و داخلی تقسیم شود که در سطح بین‌المللی نقش هنجارهای بین‌المللی و در سطح داخلی بر نقش هنجارهای داخلی تأکید می‌شود. این دیدگاه معتقد است که سیاست بین‌الملل در قالب جامعه بین‌الملل شکل می‌گیرد و این جامعه بر اساس هنجارها و قواعد خاص خود به منافع دولت‌ها شکل می‌دهد و دلیل عقلانی رفتار دولت‌ها را فراهم می‌آورد (Wiener, 2003).

با توجه به اینکه این نظریه تنها بر شرایط و نیروهای مادی تکیه نکرده است، انگاره‌ها و اندیشه و اعتقادات بین‌الذهانی نیز که در میان مردم جهان به طور گسترده رخ می‌دهد را در مرکزیت تحلیل برای درک منافع قرار می‌دهد. رفتار دولت‌ها، تعاملات آنها و منافعشان نه بر اساس یک الگوی مادی و از پیش تعیین شده، بلکه در طول زمان و بر اساس هویت‌ها شکل می‌گیرد. از نگاه سازه‌انگاری، آنچه حائز اهمیت است تأثیر هنجاری ساختارهای نهادی بنیادی بر منافع و رفتار دولت‌هاست و به بررسی دگرگونی آنها در طول زمان می‌پردازد. از آنجا که هویت دولت‌ها به زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد بنابراین در وضعیت متغیر به سر می‌برند، منافع مانند هویت‌ها از طریق عملکردهای اجتماعی حاصل می‌شود. ساختار و کارگزار به یک اندازه مهم هستند و به شکل متقابلی بر هم تأثیر می‌گذارند و تصور ساختار جدا از رویه‌های کنشگران ممکن نمی‌باشد. دولت‌ها صرفاً واحدهای حقوقی یا سازمان‌های رسمی نیستند بلکه مجموعه‌ای از رویه‌ها هستند که به شکل هنجاری قوام یافته‌اند. از طرفی دیگر از



آنجاییکه در پژوهش حاضر تأثیر جنگ آمریکا و چین و بر روابط ایران و چین مورد بررسی قرار می‌گیرد می‌توان گفت به این دلیل از نظریه سازه انگاری استفاده شده است که باتوجه به نگاه تاکیدی که این نظریه نسبت به برداشتها و معانی ذهنی خود دول در خصوص کنشها و واکنشها دارد، می‌توان گفت از این منظر کنشها و واکنشهای آمریکا در سیاست خارجی خود برآمده از برداشتهای سیاستمداران است از طرفی دیگر سازه انگاران دولتها را بازیگران بین المللی می‌دانند که در سه فضای رقابتی، دشمنی و دوستی قرار می‌گیرند لذا آمریکا و چین در فضای نظام بین الملل به عنوان رقیب و تا حدی دشمن یکدیگر ظاهر شده‌اند. در ادامه می‌توان گفت در جنگ اقتصادی بین چین و آمریکا چین تلاش دارد از واکنشهای خود برداشتی مسالمت آمیز و بدون تهدید در مقابل سایر دولتها بویژه آمریکا نشان دهد در مقابل نیز آمریکا با توجه به ماهیت و ذات بین الاذهانی که نسبت به نظام بین الملل دارد، کنشهای بازیگران بین المللی را بررسی و تفسیر می‌کند و سپس تصمیم می‌گیرد که متقابلاً چه واکنشی نشان دهد. بدین ترتیب ایران نیز به عنوان شریک استراتژیک چین که بعد از وقوع انقلاب اسلامی با تکیه بر عوامل فرهنگی و هویتی روابط خود را توسعه دادند، می‌تواند در سایه فضای هابزی (دشمنی) یا رقابتی (لاکی) بین آمریکا و چین احساس خطر و تهدید خود را تبدیل به فرصت کند. ازاینرو مباحثی چون فرهنگ، ارزش، ایدئولوژی و تهدیدانگاری از منر سازه انگاری برای تبیین پژوهش حاضر بهتر قابل بیان است.

### ۳. جنگ تجاری آمریکا و چین در بستر زمان

با وجود اینکه روابط تجاری چین و آمریکا از زمان حاکمیت کمونیستها بر این کشور و تأسیس جمهوری خلق چین آغاز نمی‌شود، اما روابط تجاری دو کشور در این دوره یک تمایز و تفاوت اساسی را نسبت به گذشته نشان می‌دهد. حجم تجارت کالا بین ایالات متحده و چین از آغاز اصلاحات اقتصادی چین در اواخر دهه ۱۹۷۰ به سرعت رشد کرده است (Guo et al., 2018: 106). رشد تجارت پس از ورود چین به سازمان تجارت جهانی (WTO) در سال ۲۰۰۱ شتاب گرفته است (What Is the US-China Trade War?, 2020) و ایالات متحده و چین به مهم‌ترین شرکای تجاری یکدیگر تبدیل شدند. ایالات متحده به طور مداوم بیش از صادرات خود به چین، از این کشور آسیایی واردات داشته است و کسری تجاری دوجانبه ایالات متحده در کالاها با چین به ۳۷۵.۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ رسید.

#### ۳-۱. پیش‌زمینه جنگ تجاری



دولت ایالات متحده گاهی از جنبه‌های مختلف روابط تجاری ایالات متحده و چین، از جمله کسری‌های تجاری بزرگ دوجانبه و نرخ‌های مبادله نسبتاً انعطاف‌ناپذیر چین انتقاد کرده است. دولت‌های جورج دبلیو بوش و باراک اوباما برای محافظت از تولیدکنندگان داخلی آمریکا، سهمیه‌ها و تعرفه‌هایی را بر منسوجات چینی اعمال کردند و چین را متهم کردند که این محصولات را با قیمت‌های دامپینگ صادر می‌کند (Guo et al., 2018: 107). در طول دولت اوباما، ایالات متحده علاوه بر این، چین را به پرداخت یارانه به تولید آلومینیوم و فولاد متهم کرد و طیف وسیعی از تحقیقات ضد دامپینگ را علیه چین آغاز کرد. در طول این دو دولت ایالات متحده، تجارت ایالات متحده و چین به رشد خود ادامه داد (Guo et al., 2018: 108-109). در طی این مدت، اقتصاد چین به دومین اقتصاد بزرگ جهان (با استفاده از نرخ ارز اسمی) تبدیل شد و تنها پس از ایالات متحده در رتبه دوم قرار گرفت و ابتکارات اقتصادی چین در مقیاس بزرگ، مانند طرح کمربند و جاده، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی و «ساخت چین ۲۰۲۵» برخی از سیاست‌گذاران ایالات متحده را نگران کرد (Chong & Li, 2019: 194). به طور گسترده‌تر، رشد اقتصادی چین توسط دولت ایالات متحده به عنوان چالشی برای تسلط اقتصادی و ژئوپلیتیکی آمریکا در نظر گرفته شده است (Kwan, 2020).

دونالد ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری خود در سال ۲۰۱۶ وعده داد که کسری تجاری ایالات متحده با چین را کاهش دهد که او آن را به اقدامات تجاری ناعادلانه، مانند سرقت مالکیت معنوی و عدم دسترسی شرکت‌های آمریکایی به بازار چین نسبت داد (What Is the US-China Trade War?, 2020). طرفداران آمریکایی اعمال تعرفه‌ها بر چین استدلال کرده‌اند که تعرفه‌ها مشاغل تولیدی را برای ایالات متحده به ارمغان می‌آورد. تعرفه‌های دوجانبه باید متقابل باشد. آمریکا باید کسری تجاری خود با چین را از بین ببرد و اینکه چین باید سیاست‌های مختلف حاکم بر مالکیت معنوی و سرمایه‌گذاری را تغییر دهد (Bekkers & Schroeter, 2020). اکثر اقتصاددانان نسبت به توانایی تعرفه‌ها برای دستیابی به سه مورد اول از این اهداف تردید دارند. یک مطالعه تخمین می‌زند که صادرات ایالات متحده به چین از ۱.۲ میلیون شغل آمریکایی پشتیبانی می‌کند و شرکت‌های چندملیتی چینی به طور مستقیم ۱۹۷۰۰۰ آمریکایی را استخدام می‌کنند، در حالی که شرکت‌های آمریکایی در سال ۲۰۱۹ تقریباً ۱۰۵ میلیارد دلار در چین سرمایه‌گذاری کردند (Lawder, 2021). اقتصاددانان تأثیر تجارت با چین و افزایش بهره‌وری نیروی کار را بر اشتغال در بخش تولید آمریکا، با نتایج متفاوتی مطالعه کرده‌اند (Autor et al., 2013; Feenstra et al., 2019). اکثر اقتصاددانان معتقدند که کسری تجاری آمریکا به جای سیاست تجاری،



نتیجه عوامل اقتصاد کلان است (Guo et al., 2018: 110). در حالی که انتظار می‌رود افزایش تعرفه‌ها بر کالاهای چینی واردات ایالات متحده از چین را کاهش دهد، انتظار می‌رود که منجر به افزایش واردات از سایر کشورها شود و کسری تجاری کلی ایالات متحده تا حد زیادی بدون تغییر باقی بماند - پدیده‌ای که به عنوان انحراف تجاری شناخته می‌شود (Nicita, 2019).

### ۲-۳. چرایی شروع جنگ تجاری و واکنش چین

در سال ۲۰۱۸، ایالات متحده یک جنگ تجاری را با چین به راه انداخت که یک انحراف ناگهانی از رهبری تاریخی این کشور در یکپارچه‌سازی بازارهای جهانی به شمار می‌رود. تا اواخر سال ۲۰۱۹، ایالات متحده تقریباً بر ۳۵۰ میلیارد دلار واردات از چین تعرفه اعمال کرد و چین نیز ۱۰۰ میلیارد دلار صادرات ایالات متحده را در همین وضعیت تلافی کرد. اقتصاددانان از داده‌ها و روش‌های مختلفی برای ارزیابی تأثیرات جنگ تجاری بر ایالات متحده، چین و سایر کشورها استفاده کرده‌اند که نتایج قابل توجه و جالبی را در بر داشته است (Wu et al., 2021).

اولین حمایت دونالد ترامپ از تعرفه‌ها به دلیل موفقیت اقتصادی ژاپن در دهه ۱۹۸۰ بود، با این استدلال که کسری تجاری ایالات متحده بار سنگینی است و تعرفه‌ها باعث ارتقای تولید داخلی می‌شود که ایالات متحده را از «گسله شدن» توسط شرکای تجاری خود باز می‌دارد (Tankersley & Landler, 2019; Zarroli, 2018). تحمیل تعرفه‌ها متعاقباً یکی از مهم‌ترین بخش‌های مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری ۲۰۱۶ او بود (Zarroli, 2018). در اوایل سال ۲۰۱۱، او اظهار داشت که چون چین ارزش خود را دستکاری کرده است، «تقریباً غیرممکن است که شرکت‌های ما با شرکت‌های چینی رقابت کنند» (Zarroli, 2018). در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶، ترامپ در یک پلت فرم اقتصادی حمایت گرایانه شرکت کرد. به عنوان رئیس‌جمهور، در آگوست ۲۰۱۷، دفتر نماینده تجاری ایالات متحده (USTR) را برای تحقیق در مورد اقدامات اقتصادی چین هدایت کرد. گزارش حاصل، که در مارس ۲۰۱۸ منتشر شد، به بسیاری از جنبه‌های سیاست اقتصادی چین حمله کرد، به ویژه بر انتقال فناوری ادعایی تمرکز داشت که گزارش بیان کرد که سالانه ۲۲۵ میلیارد و ۶۰۰ میلیارد دلار برای اقتصاد ایالات متحده هزینه دارد. پس از انتشار این گزارش، ترامپ دستور اعمال تعرفه بر محصولات چینی، تشکیل پرونده سازمان تجارت جهانی علیه چین و محدودیت سرمایه‌گذاری چین در بخش‌های فناوری پیشرفته اقتصاد ایالات متحده را صادر کرد (Kwan, 2020). او در حمایت از تعرفه‌ها به عنوان رئیس‌جمهور گفت که چین به دلیل اقدامات تجاری ناعادلانه صدها میلیارد دلار در سال برای اقتصاد



آمریکا هزینه می‌کند. پس از اعمال تعرفه‌ها، او ورود به جنگ تجاری را رد کرد و گفت: "جنگ تجاری سال‌ها پیش توسط افراد احمق یا نالایق که نماینده ایالات متحده بودند شکست خورد." او گفت که ایالات متحده کسری تجاری ۵۰۰ میلیارد دلاری در سال دارد و سرقت مالکیت معنوی 300 (IP) میلیارد دلار اضافی هزینه دارد. او گفت: «ما نمی‌توانیم اجازه دهیم این کار ادامه پیدا کند» (Smith, 2018). جیم شولتز، مشاور سابق کاخ سفید، گفت که «از طریق چندین دولت ریاست جمهوری - کلینتون، بوش و اوباما - ایالات متحده ساده لوحانه به سمت دیگری نگاه کرده است، در حالی که چین مسیر خود را به سمت یک مزیت ناعادلانه در بازار تجارت بین‌المللی فریب داده است» (Schultz, 2019).

به گفته دولت، اصلاحات دولت چین حداقلی بوده و منصفانه و متقابل نبوده است: «پس از سال‌ها گفت‌وگوهای آمریکا و چین که حداقل نتایج و تعهداتی را به همراه داشت که چین به آن‌ها احترام نمی‌گذاشت، ایالات متحده برای مقابله با چین در مورد آن اقدام می‌کند. انتقال فناوری اجباری، اعمال مالکیت معنوی، و نفوذ سایبری به شبکه‌های تجاری ایالات متحده توسط دولت، تحریف‌کننده بازار از جمله این موارد هستند» (President Donald J. Trump Is Confronting China's Unfair Trade Policies, 2018). فناوری مهم‌ترین بخش اقتصاد ایالات متحده محسوب می‌شود. به گفته رابرت ای. لایتیزر، نماینده تجاری ایالات متحده، چین سیاست «انتقال اجباری فناوری» را همراه با تمرین «سرمایه‌داری دولتی»، از جمله خرید شرکت‌های فناوری ایالات متحده و استفاده از سرقت سایبری برای به دست آوردن فناوری، حفظ می‌کند. در نتیجه، مقامات دولت ترامپ، تا اوایل سال ۲۰۱۸، اقداماتی را برای جلوگیری از خرید شرکت‌های فناوری آمریکایی توسط شرکت‌های تحت کنترل دولت چین انجام دادند و سعی داشتند شرکت‌های آمریکایی را از واگذاری فناوری‌های کلیدی خود به چین به عنوان هزینه‌ای برای ورود شرکت‌های فناوری آمریکایی به بازار چین، بازدارند (Rogin, 2018). به گفته جاش روگین، تحلیلگر سیاسی: «این اعتقاد وجود داشت که چین یک اقتصاد خصوصی را توسعه خواهد داد که با سیستم WTO سازگاری دارد. رهبری چین تصمیمی سیاسی برای انجام عکس گرفته است. بنابراین اکنون ما باید پاسخ دهیم» (Rogin, 2018).

لایتیزر معتقد بود که ارزش تعرفه‌های اعمال شده بر اساس برآوردهای ایالات متحده از خسارت اقتصادی واقعی ناشی از سرقت ادعایی مالکیت معنوی و محدودیت‌های مالکیت خارجی است که شرکت‌های خارجی را ملزم به انتقال فناوری می‌کند (Clark, 2018). چنین سرمایه‌گذاری‌های مشترک اجباری به شرکت‌های چینی دسترسی غیرقانونی به فناوری آمریکایی می‌دهد (McLaughlin & Strohm, 2018).



بیش از نیمی از اعضای اتاق بازرگانی آمریکا در جمهوری خلق چین فکر می‌کردند که نشت مالکیت معنوی یک نگرانی مهم هنگام انجام تجارت در آنجا است (Oh, 2018). در آگوست ۲۰۱۷، رابرت لایتیزر اقدامات تجاری ناعادلانه ادعایی چین را مورد بررسی قرار داد (Blair & Alexander, 2017). ترامپ با آغاز اقدامات تعرفه‌های فولاد و آلومینیوم در مارس ۲۰۱۸ گفت: «جنگ‌های تجاری خوب هستند و به راحتی می‌توان پیروز شد»، اما با ادامه تشدید درگیری تا آگوست ۲۰۱۹، ترامپ اظهار داشت: «من هرگز نگفتم که پیروزی بر چین آسان خواهد بود» (Haberman & Baker, 2019).

واکنش چین نیز به شروع جنگ تجاری و اتهامات وارده از سوی آمریکا لازمه تحلیل و بررسی است. دولت چین استدلال می‌کند که هدف واقعی دولت ایالات متحده خفه کردن رشد چین است و جنگ تجاری تأثیر منفی بر جهان داشته است (Cheng, 2019). دولت چین، آمریکا را برای شروع درگیری مقصر دانسته و گفته است که اقدامات ایالات متحده مذاکرات را دشوار می‌کند (FENG, 2021). ژانگ شیانگچن، سفیر چین در سازمان تجارت جهانی، گفت که نماینده تجاری ایالات متحده با «فرض گناه» عمل می‌کند و ادعاهایی را بدون مدرک و بر اساس حدس و گمان مطرح می‌کند (US and China Clash over “technology Transfer” at the WTO, 2018).

### ۳-۳. پیامدهای جنگ تجاری آمریکا-چین بر چین

با وجود تقابل و رقابت شدید و تنگاتنگی جمهوری خلق چین و ایالات متحده آمریکا، این تقابل و رقابت نوع متمایزی از موارد پیش از خود محسوب می‌شود؛ زیرا برخلاف رقابت اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده در دوره جنگ سرد که ماهیت نظامی و تسلیحاتی داشت، این تقابل و تخاصم بیشتر حول محور اقتصاد و تجارت تعیین یافته است. از سال ۲۰۱۸ واژه جنگ تجاری بیانگر نوع تخاصم و تقابل این دو قدرت جهانی بوده است. این تقابل و رقابت از رقابت بر سر تعرفه‌ها آغاز و ابعاد متعددی را در بر گرفت همچنین دارای پیامدهای گسترده‌ای بود. پیامدهای جنگ تجاری چین و ایالات متحده از یک سو اقتصاد و سیاست را در هر دو کشور تحت تأثیر خود قرار داد و از سوی دیگر نظام بین‌الملل و دیگر کشورها نیز به نحوی از آن اثر پذیرفتند. این بخش از پژوهش به ارائه توضیحاتی پیرامون جنگ سرد و پیامدها و همچنین تأثیرات آن می‌پردازد. از دهه ۱۹۸۰، ترامپ به عنوان یک فعال اقتصادی از تعرفه‌ها برای رفع کسری تجاری ایالات متحده و ارتقای تولید داخلی حمایت می‌کرد و می‌گفت که این کشور توسط شرکای تجاری اش «تخریب» می‌شود. اعمال تعرفه‌ها به یکی از اصلی‌ترین کارهای مبارزات انتخاباتی او تبدیل شد (Tankersley & Landler, 2019). اکثر اقتصاددانان بر این باورند که کسری



تجاری مشکل مهمی برای اقتصاد آمریکا ایجاد نمی‌کند (Council on Foreign Relations, 2019). تقریباً همه اقتصاددانانی که به نظرسنجی‌های انجام‌شده توسط آسوشیتدپرس و رویترز پاسخ داده‌اند، گفتند که تعرفه‌های ترامپ بیشتر از آنکه به نفع اقتصاد آمریکا باشد، برای این کشور ضرر خواهد داشت (Boak, 2018; Sarkar, 2018) و برخی از اقتصاددانان از روش‌های جایگزین برای رسیدگی به کسری‌های تجاری با چین حمایت کردند (Freund, 2017; Hass, 2018; Makin, 2019).

آمار و ارقام موجود و همچنین نظرات کارشناسان و اقتصاددانان نشان می‌دهد جنگ تجاری بر اقتصاد هر دو کشور تأثیر منفی گذاشته است (Laker, 2020; Nee Lee, 2020). در ایالات متحده جنگ تجاری با چین منجر به هزینه‌های بالاتر برای تولیدکنندگان، قیمت‌های بالاتر برای مصرف‌کنندگان و مشکلات مالی برای کشاورزان شده است. در چین، جنگ تجاری به کاهش سرعت رشد تولید اقتصادی و صنعتی کمک کرد که قبلاً رو به کاهش بود. بسیاری از شرکت‌های آمریکایی زنجیره‌های تأمین را به نقاط دیگر آسیا منتقل کرده‌اند و این نگرانی را ایجاد کرده‌اند که جنگ تجاری منجر به "انفصال" اقتصادی آمریکا و چین شود (Politi, 2020). جنگ تجاری همچنین باعث آسیب اقتصادی در سایر کشورها شده است، اگرچه برخی از آن‌ها از افزایش تولید سود بردند؛ زیرا تولید به آن‌ها منتقل شد. جنگ تجاری دو کشور همچنین منجر به بی‌ثباتی بازار سهام شد. دولت‌ها در سراسر جهان اقداماتی را برای رسیدگی به برخی از آسیب‌های ناشی از درگیری اقتصادی بین دو کشور انجام داده‌اند (Rappeport & Bradsher, 2019). بیش از سه سال است که از آغاز جنگ تجاری آمریکا با چین می‌گذرد و نتیجه این تقابل و تخاصم اقتصادی برای هر دو طرف نتیجه «باخت - باخت» را به دنبال داشته است (China Daily, 2018). همچنین این تقابل تجاری نتوانسته است به راحتی به «جداسازی» بین چین و ایالات متحده دست یابد، برعکس، با ادامه گسترش عدم تعادل تجاری جهانی هر دو کشور را قربانی کرده است. واقعیت‌ها ثابت کرده است که جنگ تجاری نمی‌تواند نگرانی‌های ایالات متحده را برطرف کند؛ زیرا تنها با کنار گذاشتن تعصبات سیاسی، تمرکز بر حل مناقشات داخلی، توقف جنگ تجاری و همکاری با چین، می‌توان رویکرد ایالات متحده را صحیح دانست. تحت تأثیر این بیماری همه‌گیر، تحقق تعهدات تدارکاتی چین در مرحله اول توافق تجاری دشوار است. در سال ۲۰۲۰، واردات چین از ایالات متحده ۴۰ درصد کمتر از هدف توافق است و رسیدن به هدف در سال جاری دشوار خواهد بود. چشم‌انداز روابط تجاری ایالات متحده و چین تاریک است. جنگ تجاری چین و آمریکا، با توجه به اینکه دو کشور از قدرت‌های اقتصادی و نظامی جهان محسوب می‌شوند پیامدها و اثرات متعددی در بر داشته است. این پیامدها را



می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. دسته‌ها پیامدهایی که بر اقتصاد و سیاست در جمهوری خلق چین اعمال شده‌اند، دسته دوم پیامدهایی هستند که در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی در ایالات متحده اثرگذار بوده‌اند و دسته سوم پیامدهایی هستند که اقتصاد و سیاست را در نظام و پیدا می‌کنند دستخوش تأثیرپذیری کرده‌اند. یک تحلیل نوامبر ۲۰۱۹ سازمان ملل گزارش داد که «تعرفه‌های ایالات متحده بر چین از نظر اقتصادی به هر دو کشور لطمه می‌زند» (Murray, 2019). مقاله‌ای در نوامبر ۲۰۱۹ در فایننشال تایمز گفت که از آگوست ۲۰۱۹ جنگ تجاری بیشتر از چین به تولیدکنندگان آمریکایی ضربه زده است (Lockett, 2019).

### ۳-۴. پیامدهای جنگ تجاری آمریکا-چین بر آمریکا

برخی پژوهشگران و صاحب‌نظران بر این دیدگاه هستند که ایالات متحده تحت ریاست جمهوری دونالد ترامپ یک راهبرد سیاست خارجی متمایز را نسبت به دوره‌های گذشته اتخاذ کرده است. اگر دو واقعه جنگ افغانستان و جنگ عراق را از سیاست‌های خارجی و جهانی ایالات متحده فاکتور بگیریم، رویکرد این کشور در قبال مسائل جهانی اصولاً مبتنی بر ایدئولوژی‌های لیبرال و یا ثبات و امنیت بوده است. با این حال رژیم سیاست خارجی ایالات متحده و چارچوب عملی آن در دوره دونالد ترامپ دستخوش تغییرات فزاینده و متمایزی گردید که نمونه بارز آن در رابطه با تعاملات این کشور با جمهوری خلق چین بوده است. چهار دلیل اصلی آمریکا که منجر به بزرگ‌ترین درگیری تجاری بین دو اقتصاد شده است که عبارتند از؛

نخست) کاهش کسری تجارت دوجانبه و افزایش تعداد مشاغل؛

دوم) محدود کردن دسترسی شرکت‌های چینی به فناوری‌های آمریکایی و جلوگیری از مدرن‌سازی دیجیتال صنعت در جمهوری خلق چین؛

سوم) جلوگیری از رشد قدرت نظامی چین؛

چهارم) کاهش کسری بودجه فدرال

در مجموع به نظر می‌رسد که جنگ‌های تجاری هیچ برنده‌ای ندارد. با در نظر گرفتن مقیاس تولید ناخالص داخلی و حجم صادرات دو کشور، جنگ تجاری آمریکا و چین در بحبوحه کاهش تولید جهانی و تجارت بین‌المللی رخ خواهد داد. این مقاله نتایج تقابل تجاری را بر اساس روش سناریو تحلیل می‌کند. نویسندگان با پیش‌فرض‌هایی درباره الگوی پاسخ و تنوع حدسی در روابط اقتصادی دوجانبه، ۴ سناریو را شناسایی می‌کنند. سیاست حمایت‌گرایانه آمریکا بعد سیاسی خود را دارد و محدودیت‌های



تجارت دوجانبه یکی از ابزارهای کاهش رشد قدرت نظامی و اقتصادی چین است (Kapustina et al., 2020). در اوایل ژوئیه ۲۰۱۸، نتایج منفی و مثبتی در اقتصاد آمریکا در نتیجه تعرفه‌ها نشان داده شد؛ زیرا تعدادی از صنایع رشد اشتغال را نشان دادند در حالی که برخی دیگر در حال برنامه‌ریزی برای اخراج کارکنان بودند (Trade War With China Heats Up, But Tariff Effects Are Already Rippling Across U.S., 2018). مفسران آمریکایی خاطرنشان کردند که محصولات مصرفی بیشتر از همه تحت تأثیر تعرفه‌ها قرار می‌گیرند. زمانی که هزینه‌ها افزایش می‌یابد نامشخص بود زیرا شرکت‌ها باید بفهمند که آیا می‌توانند افزایش تعرفه‌ها را بدون انتقال هزینه‌ها به مصرف کنندگان حفظ کنند یا خیر؟ (A Look at the Impact of the US-China Trade War on Consumers, 2018).

حوزه‌های مختلف اقتصاد آمریکا نیز به واسطه اقدامات متقابل جمهوری خلق چین در این جنگ تجاری به انحاء مختلف دچار آسیب و ضرر شده است. یکی از این حوزه‌ها حوزه کشاورزی است. کشاورزان آمریکایی به‌ویژه تحت تأثیر اقدامات تجاری تلافی جویانه چین قرار گرفتند (Zumbrun, 2020a). در پاسخ، کمک دولت ترامپ برای مشکلاتی که کشاورزان با آن مواجه بودند به صورت پرداخت نقدی، تضمین معاملات تجاری اضافی و اصلاح مقررات زیست محیطی به نفع کشاورزان ذرت بود (Pramuk & Tausche, 2019; Rappeport, 2019). بر اساس گزارش اداره مزرعه آمریکا، صادرات محصولات کشاورزی از ایالات متحده به چین از ۲۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۹.۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است که شامل کاهش فروش گوشت خوک، سویا و گندم می‌شود. ورشکستگی مزارع افزایش یافته است و سازنده تجهیزات کشاورزی شرکت Deere & Company پیش‌بینی سود خود را دو بار بین ژانویه و اوت ۲۰۱۹ کاهش داد. در اگوست ۲۰۱۹ گزارش اداره کشاورزی ایالات متحده نشان داد که با کاهش صادرات گندم آمریکا به چین، صادرات گندم کانادا به چین از ۳۲٪ به بیش از ۶۰٪ افزایش یافت (Rappeport, 2019). تولیدکنندگان تجهیزات کشاورزی تحت تأثیر بی میلی کشاورزان برای سرمایه‌گذاری در تجهیزات جدید قرار گرفتند، به طوری که فروش در سه ماهه اول سال ۲۰۱۹ به میزان قابل توجهی کاهش یافت (Dorning, 2019). با این حال، علی‌رغم تأثیرات منفی، نظرسنجی‌ها در ژوئیه ۲۰۱۹ نشان داد که اکثر کشاورزان همچنان به حمایت از ترامپ ادامه می‌دهند، زیرا ۷۸ درصد از آنها گفتند که معتقدند جنگ تجاری در نهایت به نفع کشاورزی ایالات متحده خواهد بود (Breuninger & Schoen, 2019). دفتر پاسخگویی دولت در فوریه ۲۰۲۰ اعلام کرد که این برنامه را بررسی خواهد کرد، زیرا گزارش‌هایی مبنی بر توزیع نادرست کمک‌ها انجام می‌شود (Rappeport, 2020). طبق



مطالعه‌ای که توسط فدراسیون ملی خرده‌فروشی ایالات‌متحده انجام شد، تعرفه ۲۵ درصدی بر مبلمان چینی به تنهایی ۴.۶ میلیارد دلار اضافی برای مصرف‌کنندگان آمریکایی در پرداخت سالانه هزینه خواهد داشت (Ferek, 2019). چین همچنین تلاش کرد تا برای مقابله با جنگ تجاری که آمریکا علیه این کشور به راه انداخته است از طریق افزایش تعرفه‌های اعمالی بر کالاهای آمریکایی و همچنین کاهش تعرفه‌های کالاهای سایر کشور به نوعی به سیاست‌های خصمانه آمریکا پاسخ دهد. تجزیه و تحلیل انجام شده توسط موسسه اقتصاد بین‌الملل پترسون نشان داد که چین در ژانویه ۲۰۱۸، قبل از شروع جنگ تجاری، تعرفه‌های یکسانی را به طور متوسط ۸ درصد بر تمام واردکنندگان خود اعمال کرده بود. تا ژوئن ۲۰۱۹، تعرفه‌های وارداتی از آمریکا به ۲۰.۷ درصد افزایش یافت، در حالی که تعرفه‌ها برای سایر کشورها به ۶.۷ درصد کاهش یافت. این تحلیل همچنین نشان داد که میانگین تعرفه‌های آمریکا بر کالاهای چینی از ۳.۱ درصد در سال ۲۰۱۷ به ۲۴.۳ درصد تا اوت ۲۰۱۹ افزایش یافته است (Wiseman, 2019).

جنگ تجاری چین و ایالات‌متحده از ابعاد دیگری نیز اقتصاد آمریکا را در معرض آسیب قرار داده است. عدم ایجاد شغل و یا از بین رفتن مشاغل یکی از این اثرات است. تجزیه و تحلیل انجام شده توسط گروه مؤدی تخمین زده است که تا اوت ۲۰۱۹، ۳۰۰ هزار شغل در آمریکا به دلیل جنگ تجاری، به ویژه در حوزه‌های تولید، انبارداری، توزیع و خرده‌فروشی، از بین رفته یا ایجاد نشده است (Newman, 2019).

تا سپتامبر ۲۰۱۹، تولیدکنندگان آمریکایی سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌ای خود را کاهش داده و استخدام را به دلیل عدم اطمینان ناشی از جنگ تجاری به تأخیر انداختند (Hufford, 2019). واردکنندگان آمریکایی اجازه داشتند برای حذف از تعرفه‌ها درخواست دهند. وال استریت ژورنال در فوریه ۲۰۲۰ گزارش داد که نمایندگی تجاری ایالات‌متحده معافیت‌های تعرفه‌ای کمتری به شرکت‌های آمریکایی اعطا می‌کند که از ۳۵ درصد درخواست‌ها برای دو بخش اول تعرفه در سال ۲۰۱۸ به ۳ درصد برای سومین قسط در سال ۲۰۱۹ کاهش یافته است (DeBarros & Zumbun, 2020). مکانیسم درخواست برای محرومیت‌ها در سال ۲۰۲۰ منقضی شد (Persistence of Donald Trump's China Tariffs Frustrates US Business, 2020).

### ۳-۵. تأثیرات جنگ تجاری آمریکا-چین بر اقتصاد و نظام بین‌الملل



مینشین پی، محقق سیاست چین در کالج کلرمونت مک‌کنا در کالیفرنیا از جمله اندیشمندان است که استدلال کرد جاه‌طلبی شی جی‌پینگ برای احیای چین به عنوان یک قدرت جهانی از طریق ادامه مناقشه تجاری توخالی آشکار شده است (Vanderklippe, 2018). در همان سال جو بایدن، معاون سابق رئیس‌جمهور آمریکا در دوره باراک اوباما گفت: «در حالی که ترامپ یک جنگ تجاری مضر و نامنظم را بدون هیچ استراتژی واقعی دنبال می‌کند، چین خود را برای رهبری جهان در انرژی‌های تجدیدپذیر قرار می‌دهد». چالش و مسئله دیگری که جنگ تجاری آمریکا و چین به همراه داشته به نوعی به همه‌گیری کووید ۱۹ مربوط است. تعرفه‌های تجهیزات پزشکی به دلیل همه‌گیری کووید-۱۹ از نظر سیاسی پیچیده شده است. وال استریت ژورنال، با استناد به Trade Data Monitor برای نشان دادن اینکه چین منبع اصلی بسیاری از تجهیزات پزشکی کلیدی است، نگرانی‌هایی را مطرح کرد که تعرفه‌های ایالات متحده بر واردات از چین، واردات تجهیزات پزشکی به ایالات متحده را تهدید می‌کند (Greenwood, 2019). همان‌گونه که گفته شد رقابت و تخاصم میان این دو غول اقتصادی جهان نوعی متمایز و منحصر به فرد نسبت به رقابت‌های پیش از خود به ویژه در دوران جنگ سرد بوده است. حضور گسترده ایالات متحده و همپیمانانش در دریای جنوبی چین و حمایت از تایوان در برابر جمهوری خلق چین و همچنین رشد سریع و شتابان اقتصادی چین و گسترش نفوذ آن در پهنه بین‌المللی موجب اصطکاک بیش از پیش میان دو کشور شده است. این تقابل و تخاصم اقتصادی میان دو طرف از سال ۲۰۱۸ به صورت رسمی در ادبیات دانشگاهی و سیاسی به عنوان جنگ تجاری شناخته می‌شود. جنگ تجاری در آغاز با اعمال تعرفه‌های از سوی ایالات متحده بر واردات کالا و خدمات از چین آغاز شد (Vlados, 2020: 2) و سپس با واکنش متقابل چینی‌ها شدت یافت. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان چهار دلیل یا علت را برای این تقابل تجاری لحاظ کرد. چهار دلیل اصلی را که منجر به بزرگ‌ترین درگیری تجاری بین دو اقتصاد در تاریخ مرتبط با نیات ایالات متحده شده عبارتند از؛ الف) کاهش کسری تجارت دوجانبه و افزایش تعداد مشاغل. ب) محدود کردن دسترسی شرکت‌های چینی به فناوری‌های آمریکایی و جلوگیری از مدرن‌سازی دیجیتال صنعت در جمهوری خلق چین؛ ج) جلوگیری از رشد قدرت نظامی چین؛ و د) کاهش کسری بودجه فدرال (Kapustina et al., 2020, 1).

این تقابل و روابط تجاری میان دو کشور در سه سطح دولت‌های ملی (آمریکا و چین)، نظام بین‌الملل در سطح کلان آن و کشورهای دیگر منشأ اثرگذاری و پیامد بوده است. در سطح دولت‌های ملی کشور، در حوزه‌های مختلف به ویژه حوزه اقتصاد این تقابل تجاری اثرات خود را نشان داده است. یکی از



مهم‌ترین اثرات این جنگ تجاری برای آمریکایی‌ها از بین رفتن فرصت‌های شغلی در این کشور بوده است به نحوی که تا آگوست سال ۲۰۱۹ حدوداً ۳۰۰ هزار شغل در آمریکا به نحوی از بین رفته‌اند و علاوه بر این تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران آمریکایی به دلیل مخاطرات ناشی از ریسک جنگ تجاری با چین سرمایه‌گذاری خود را در این کشور کاهش دادند و همچنین از استخدام کارکنان نیز خودداری کردند. شرکت‌های آمریکایی به واسطه تعرفه‌های کمتری که دولت ترامپ به آن‌ها اختصاص داد در این جنگ تجاری به شدت آسیب دیده‌اند.

از دیگر سطوحی که در جنگ تجاری چین و آمریکا تحت تأثیر قرار گرفته است می‌توان به سطح نظام بین‌المللی اشاره کرد. از نخستین و آشکارترین این تأثیرات که جنگ بر نظام بین‌المللی گذاشته است می‌توان به ایجاد زمینه‌های باز توزیع و پاس تعادل بخشی در ساختارهای اقتصادی نظام بین‌المللی اشاره کرد. برخی صاحب‌نظران و پژوهشگران نیز به این تحولات و پویایی‌ها در نظام بین‌الملل به عنوان جهانی‌شدن جدید داده‌اند. بر این اساس اعتقاد بر این است که ظهور جمهوری خلق چین به همراه شاخصه اصلی آن یعنی گسترش سریع اقتصادی و صنعتی موجب ایجاد دگرگونی در ساختارهای مسلط و موجود نظام بین‌الملل شده است و از همین رو تلاش‌های جدی ایالات متحده برای مقابله با این تغییرات قابل توجه است.

علاوه بر مسئله بازتوزیع و باز تعادل بخشی در ساختارهای نظام بین‌الملل، روند رشد اقتصاد جهانی نشان می‌دهد از زمان آغاز و تشدید تنش‌های تجاری میان ایالات متحده و جمهوری خلق چین رشد اقتصادی جهانی یک کاهش قابل توجهی را تجربه کرده است. بر همین اساس اگر چه متحدان اروپایی آمریکا در خصوص تقابل با چین توسط دونالد ترامپ بودند اما اقدامات و تاکتیک‌های وی را برای این تقابل مناسب نمی‌دیدند. مقامات مکزیکی و بریتانیایی دو نمونه از شواهد علمی را به دست می‌دهند که به دنبال ایجاد زمینه آرام‌تری در خصوص روابط تجاری چین و آمریکا بوده‌اند. بنابراین بسیاری از نشست‌های بین‌المللی مانند گونه هفت نیز به نحوی که موضوع تقابل و جنگ تجاری چین و آمریکا اختصاص یافتند حاضران در این نشست‌ها تلاش کردند به نحوی این مسئله را مدیریت کنند.

با همه نقاط و اثرات منفی که این جنگ تجاری در بر داشته است، برخی کشورها بر اثر تحولات خاص و نوع روابط خود تا حدود زیادی از این وضعیت سود برده‌اند. بر اساس آمارها و داده‌های موجود، تا سال ۲۰۱۹ طالبان را می‌توان متفجع‌ترین کشور از این جنگ تجاری دانست. با این وجود پژوهشگران و



محققان هشدار داده‌اند که این انتفاع یک امر پایدار و گذرا است و نبود ثابت و از همین رو می‌بایست مسئله جنگ تجاری جمهوری خلق چین و ایالات متحده به نوعی حل شود.

#### ۴. جنگ تجاری آمریکا و چین و تأثیر آن بر روابط جمهوری اسلامی ایران و چین

اهمیت موضوع پژوهش در این است که هر دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین به صور مختلف هدف سیاست‌های تخصصی و تقابلی ایالات متحده قرار گرفته‌اند. علاوه بر این موقعیت ژئوپلیتیکی و جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و در خاورمیانه، که پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر با حضور گسترده نیروهای آمریکایی را شاهد بوده است، در کنار سیاست‌های راهبردی چین در منطقه از دیگر جذابیت‌های تحقیق این پژوهش محسوب می‌شوند. مسئله انرژی و امنیت آن همچنین مسیر انتقال آن در خاورمیانه و به صورت خاص و ویژه در خلیج فارس موجب شده است ایالات متحده به همراه متحدان خود در این منطقه حضور فعالی داشته باشد در موارد متعددی نیز با جمهوری اسلامی ایران درگیری‌ها و تقابل‌هایی نیز انجام دهند. بدین ترتیب مساله انرژی و بازاریابی در خاورمیانه موجب ترغیب سایر قدرتها جهت حضور مستقیم در منطقه شده است. چین یکی از مهم‌ترین قدرت‌های نوظهور است که یکطرف به عنوان قدرت آسیایی نقش مهمی در تحولات منطقه دارد از طرف دیگر به دلیل نقش مهمی که در سیاست بین الملل و رقیب قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا دارد، تمایل زیادی برای استفاده از فرصتها و توسعه همکاریهای خود با کشورهای منطقه از جمله ایران که روابط دیرینه توأم با همکاری با این کشور داشته است، دارد. در ادامه می‌توان از جنبه دیگر جذابیت منطقه از نظر تأمین انرژی به ویژه نفت خام، همکاری مشترک در پروژه کمربند و جاده چین و همچنین توسعه نفوذ در منطقه برای پیشبرد منافع منطقه‌ای در چارچوب روابط مسالمت آمیز و دیپلماسی فعال با کشورهای منطقه موجب شده است تا جمهوری خلق چین نیز به این منطقه نگاه ویژه و منحصربه‌فردی داشته باشند و این منطقه را در سیاست‌های امنیتی و جهانی خود لحاظ کنند. در همین راستا ایران نیز از همکاری با چین با توجه به شرایط فعلی خود در نظام بین الملل و موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیکی که در منطقه دارد می‌تواند از فرصت توسعه همکاری با چین بهره‌بردار. در واقع علایق و همین منافع در کنار رویکرد تقابلی و تخصصی ایالات متحده در مقابل دو کشور از وجود مشترکی است که آن‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کنند. از اینرو در ادامه به بررسی تأثیر جنگ تجاری آمریکا و چین بر روابط ایران و چین در حوزه‌های مختلف اقتصاد و امنیت انرژی، نظامی - امنیتی، سیاسی - دیپلماسی خواهیم پرداخت.



#### ۴-۱. اقتصاد و امنیت انرژی

از اوایل قرن بیست و یکم، هسته مرکزی روابط تهران و پکن اقتصادی بوده است که عمدتاً مبتنی بر تجارت نفت و کالاهای مصرفی بوده است. چین نفت ایران را برای تأمین نیازهای صنعتی خود خرید، در حالی که ماشین آلات، لوازم الکترونیکی و لوازم خانگی را به ایران فروخت تا همزمان بازار جهانی خود را گسترش دهد. تجارت با چین از سال ۲۰۱۸، زمانی که ایالات متحده از توافق هسته‌ای خارج شد و بیش از ۱۵۰۰ تحریم اقتصادی علیه تهران اعمال کرد، اهمیت ویژه‌ای برای ایران داشته است. از سال ۲۰۱۹، بازار چین ابزار مهمی برای تولید ارز مورد نیاز و دور زدن تحریم‌های آمریکا بوده است. بین ژانویه تا مه ۲۰۲۳، ایران به طور متوسط تقریباً یک میلیون بشکه در روز نفت به چین صادر کرده است (Iranprimer, 2023) در واقع به دلیل تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران چین در سال ۲۰۲۱ تنها ۶.۵ میلیارد دلار واردات از ایران را گزارش کرده است، در حالی که سایر داده‌ها نشان می‌دهد که بیش از ۲۰ میلیارد دلار دو محصول خام و نفت از ایران وارد کرده است. شرکت‌هایی مانند TankerTrackers که بر محموله‌ها و حرکت کشتی‌ها در سراسر جهان نظارت می‌کنند، و گروه مدافع متحد علیه ایران هسته‌ای گزارش داده‌اند که چین در سال ۲۰۲۱ به‌طور متوسط روزانه ۸۵۰ هزار بشکه نفت و دو محصول از ایران وارد کرده است که بسیار بیشتر از سال قبل است. گفتنی است که میانگین قیمت نفت ایران در سال ۲۰۲۱ ۷۰ دلار در هر بشکه بوده است و چین بیش از ۳۰۰ میلیون بشکه نفت خریداری کرده است که کل آن را به بیش از ۲۰ میلیارد دلار می‌رساند. زمانی که ایالات متحده در ماه می ۲۰۱۹ تحریم‌های کاملی را علیه صادرات نفت ایران اعمال کرد، چین تا سه ماهه سوم سال ۲۰۲۰ به خرید ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار بشکه در روز ادامه داد (Khatinoglu, 2022). اما گزارش‌هایی منتشر شده است مبنی بر اینکه ایران نفت بیشتری را به چین ارسال می‌کند و این حجم نفت خام خصوصاً در دو سال اخیر (۲۰۲۲ و ۲۰۲۳) بیشتر است.

بر اساس آخرین آمار و محاسبات صورت گرفته چین واردات نفت خام ایران و ونزوئلا را در سال ۲۰۲۱ کرد و بیشترین میزان را از رژیم‌های تحریم شده توسط ایالات متحده در سه سال گذشته گرفته است؛ زیرا پالایشگاه‌ها خطر مجازات برای به دست آوردن نفت ارزان را از بین بردند. بر اساس داده‌های شرکت اطلاعاتی بازار Kpler، مشاهده شد که پردازنده‌های نفت خام در بزرگ‌ترین واردکننده جهان در سال ۲۰۲۱ برابر با ۳۲۴ میلیون بشکه از ایران و ونزوئلا خریداری‌اند که حدود ۵۳ درصد بیشتر از سال قبل



است. این بیشترین میزان از سال ۲۰۱۸ است که چین ۳۵۲ میلیون بشکه از دو کشور خریداری کرد (Bloomberg, 2022). با این وجود بر اساس اطلاعات و داده‌های موجود جمهوری خلق چین از سال ۲۰۱۸ که جنگ تجاری این کشور با آمریکا آغاز شده بود و در دولت دونالد ترامپ سیاست‌های خصمانه‌ای علیه ایران اتخاذ گردید این کشور میزان نفت خریداری شده خود را از ایران کاهش داده است. چین از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ به روند رو به رشد واردات خود از دو کشور ایران و ونزوئلا ادامه داده است با این حال از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ به صورت مستمر جریان واردات نفت از این دو کشور را کاهش داده است. با این وجود در سال ۲۰۲۱ واردات نفت چین از این دو کشور به میزان تقریبی دو برابر افزایش پیدا کرد. آنچه از آمار و ارقام فوق استنباط می‌شود این است که هم‌زمان با آغاز جنگ تجاری چین و آمریکا، از سال ۲۰۱۸، این کشور واردات نفت خود را از دو کشور ایران و ونزوئلا کاهش داده است و تنها در سال ۲۰۲۱، در سالی که جو بایدن به جای دونالد ترامپ وارد کاخ سفید شده بود، واردات نفت چین از این دو کشور افزایش داشته است. این ارقام همچنین نشان می‌دهند جنگ تجاری چین و آمریکا با در نظر گرفتن نیاز مبرم چین به نفت و منابع انرژی توانسته است موجب خرید بیشتر نفت از مبدأ ایران شود.

در سال ۲۰۲۱، ایران ۵.۹۴ میلیارد دلار به چین صادر کرد. عمده محصولات صادر شده از ایران به چین پلیمرهای اتیلن (۲.۵۳ میلیارد دلار)، آهن نیمه ساخته (۶۶۶ میلیون دلار) و الکل‌های غیر حلقوی (۵۱۳ میلیون دلار) بوده است. صادرات ایران به چین طی ۲۶ سال گذشته با نرخ سالانه ۱۴ درصد از ۱۹۸ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ به ۵.۹۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است. در سال ۲۰۲۱، چین ۸.۲۷ میلیارد دلار به ایران صادر کرد. عمده محصولات صادر شده از چین به ایران، وسایل نقلیه موتوری بوده است. قطعات و لوازم جانبی (۸۷۰۱ تا ۸۷۰۵) (۶۲۷ میلیون دلار)، پمپ هوا (۲۵۰ میلیون دلار) و بدنه خودرو (از جمله کابین) برای وسایل نقلیه موتوری (۸۷۰۱ تا ۸۷۰۵) (۲۲۴ میلیون دلار). طی ۲۶ سال گذشته صادرات چین به ایران با نرخ سالانه ۱۴ درصد از ۲۷۶ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ به ۸.۲۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است (Oec.World, 2021)

در ادامه می‌توان گفت ایران و چین ۱۵.۷۹۵ میلیارد دلار کالا در سال ۲۰۲۲ مبادله کردند که ۷ درصد بیشتر از سال ۲۰۲۱ بود. این رقم کمی بیش از ۱ میلیارد دلار بیشتر از رقم ثبت شده در سال ۲۰۲۱ است. این نشان دهنده رشد ۱۴ درصدی صادرات چین به ایران در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال ۲۰۲۱ است. به ۹.۴۴ میلیارد دلار آمریکا برسد. از این میزان، چین ۸.۲۵۸ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرده



است. بر اساس ماهانه اخیر، در دسامبر ۲۰۲۲، چین ۸۹۳ میلیون دلار آمریکا صادرات و ۳۱۲ میلیون دلار از ایران وارد کرد که نتیجه آن تراز تجاری مثبت ۵۸۱ میلیون دلاری بود و نشان دهنده تغییر در تجارت دوجانبه با خرید بیشتر منابع نفت و انرژی چین است. از کشور ایران، اگرچه به شدت از سوی ایالات متحده در مورد صنعت انرژی هسته‌ای خود تحریم شده است، اما چهارمین ذخایر بزرگ نفت و دومین ذخایر گاز جهان را دارد (Devonshire-Ellis, 2023).

از طرفی دیگر سهم ایران از کل تجارت جهانی چین در سال ۲۰۲۲ به دلیل محدودیت‌های بین‌المللی حدود ۰.۲۵ درصد بوده است. تجارت جهانی چین در سال ۲۰۲۲ به ۶.۳۰۸ تریلیون دلار رسید که ۳.۵۹۳ تریلیون دلار آن صادرات و ۲.۷۱۵ تریلیون دلار واردات بود. ایران در سال ۲۰۲۱ حدود ۱.۴۲۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب کرد تا در مقایسه با ۱.۳۴۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ حدود ۶ درصد رشد داشته باشد. در سال ۲۰۲۲ و با وجود تحریم‌ها، مجموع سرمایه‌گذاری‌های جذب شده در ایران به ۵.۹۵ میلیارد دلار رسید. از این رقم، شرکت‌های چینی حدود ۱۸۵ میلیون دلار سرمایه‌گذاری کردند (Devonshire-Ellis, 2023).

با این تفاسیر برخی تحلیل‌ها و تفسیرها ایران را برنده جنگ تجاری چین و آمریکا می‌دانند. سیاست چین در قبال جمهوری اسلامی به طور فزاینده‌ای به نفع ایران به جای ایالات متحده در سال‌های اخیر تغییر کرده است که بخشی از آن به لطف جنگ تجاری بین واشنگتن و پکن بوده است. بعید است این روند در آینده نزدیک تغییر کند. از زمان آغاز جنگ تجاری، چین نیز از همان خط استدلالی استفاده می‌کند که رهبران ایران در مورد توافق هسته‌ای به آن متوسل می‌شوند. از دید غربی‌ها با وجود اینکه جمهوری اسلامی همه آرمان‌های برجام را زیر پا می‌گذارد و مذاکرات هسته‌ای را سنگ اندازی می‌کند، پکن آمریکا را مقصر می‌داند. سخنگوی وزارت امور خارجه چین به جای پاسخگو کردن ایران، را بر دوش آمریکا گذاشت: «آمریکا به عنوان کسی که دور جدید تنش‌ها را در وضعیت هسته‌ای ایران آغاز کرد، باید سیاست اشتباه فشار حداکثری خود بر ایران را جبران کند، همه چیز را لغو کند. تحریم‌های غیرقانونی علیه ایران و اقدامات صلاحیت طولانی مدت علیه اشخاص ثالث، و تلاش برای از سرگیری مذاکرات و دستیابی به نتایج در زمان اولیه از جمله این موارد هستند (Rafizadeh, 2021). بطور کلی می‌توان گفت توسعه همکاری‌های اقتصادی بخصوص افزایش واردات نفت چین از ایران می‌تواند اهرم واشنگتن را در مذاکرات هسته‌ای کاهش دهد در همین راستا موجب کاهش واردات نفت از آمریکا و جایگزینی یک منبع انرژی بزرگ در آسیا بجای آمریکا خواهد بود. از طرفی دیگر انعقاد توافقنامه‌های



همکاری بین ایران و چین خود می‌تواند نوید همکاری‌های بیشتر در میان مدت و بلندمدت بین طرفین باشد که این موضوع نیز می‌تواند چین را در استراتژی نگاه به شرق ایران پرننگتر کند.

#### ۴-۲. طرح کمربند و جاده چین

طرح راه ابریشم جدید یا «یک کمربند- یک جاده»، یک طرح سرمایه‌گذاری چینی در زیربنای اقتصادی بیش از ۷۷ کشور جهان و توسعه دو مسیر تجاری «کمربند اقتصادی راه ابریشم» و «راه ابریشم دریایی» است که توسط چین در سال ۲۰۱۳ ارائه شده است. این طرح بزرگترین طرح سرمایه‌گذاری است که تاکنون توسط یک کشور ارائه شده است. جمهوری اسلامی ایران از دیرباز در این برنامه مشارکت فعال داشته است به طوری که ایران اکنون به یکی از اصلی‌ترین گذرگاه‌ها و کریدورها برای اجرای طرح یک جاده - یک کمربند تبدیل شده است.

درخصوص نقش و اهمیت ایران در این می‌توان گفت از آنجاییکه ایران به عنوان پلی در جاده ابریشم باستانی که شرق و غرب را به هم متصل می‌کرد، هم اکنون نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی که دارد پتانسیل زیادی برای ایفای نقش مهم در جاده ابریشم جدید دارد. از طرفی دیگر ایران به دلیل واقع شدن در منطقه خلیج فارس دارای قابلیت اثرگذاری روی مسیر دریایی است و همچنین موقعیت این کشور نقش آن را در ترانزیت زمینی برجسته کرده است.

بنابراین امروزه نیز شریک اصلی همکاری در ساخت BRI است. در واقع در حال حاضر بیش از سه چهارم کشورهای جهان از جمله ایران و بیش از سی سازمان بین‌المللی به این طرح پیوسته‌اند. در سال ۲۰۱۶، رئیس‌جمهوری چین پینگ به ایران سفر کرد. در این دیدار، دو طرف یادداشت تفاهم همکاری «کمربند و جاده» را امضا کردند. تحت چارچوب BRI، همکاری‌های دوجانبه به طور پیوسته در حال پیشرفت بوده و نتایج مثمر ثمری را به همراه داشته است. ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران در فوریه ۲۰۲۳، پیش از سفر به چین، در مقاله امضا شده خود اذعان داشت که چین طرح «کمربند و جاده» را برای احیای جاده باستانی ابریشم پیشنهاد کرده است که سرنوشت دو ملت را از نزدیک به هم پیوند می‌دهد. در جریان سفر خود به چین، سران دو کشور بر روی ساخت مشترک «کمربند و جاده»، ارتقای ارتباط و گسترش تبادلات مردمی و فرهنگی توافق کردند (ابولقاسمی، ۱۴۰۲).

درواقع می‌توان گفت هرچند این طرح ایده چین است، اما فرصت‌ها و نتایج آن به نفع طرفین خواهد بود. لذا در سطح استراتژیک، ایران این پروژه را فرصتی برای ارتقای جایگاه خود در اقتصاد جهانی، گسترش فضای مانور خود در عرصه بین‌المللی و توسعه روابط خود با چین به عنوان یک قدرت بزرگ



رو به رشد، تعریف می‌کند. در مقابل برای چین نیز اهداف بزرگی در زمینه رشد اقتصادی به خصوص امنیت انرژی، گسترش حوزه نفوذ و تاثیرگذاری در مناطق مختلف، دسترسی به بازارهای جهانی و نیز ایجاد راه‌های ارتباطی و حمل و نقل مقرون به صرفه‌تر را به دنبال دارد. در نتیجه، این ایده به دنبال تسهیل و تأمین انتقال انرژی، کالا و نزدیک کردن نقاط مختلف کره خاکی به کشور چین است. در همین راستا ایالات متحده آمریکا در سال جاری در جلسه سران گروه ۲۰ در دهلی نو با ارائه طرحی با عنوان « طرح ریلی - دریایی اتصال هند به خاورمیانه و اروپا» با هدف بی اثر کردن طرح کمربند جاده چین پرده برداشت. در واقع این طرح موازی کاری در تقابل با طرح چین می‌باشد. از انجاییکه رقابت بر سر هارتلند جهان بین قدرتهای جهانی زیاد است آمریکا درصدد است تا با ارائه طرحی جدید ضمن بی اثر کردن طرح کمربند جاده چین که با همکاری و استقبال ایران پیش می‌رود، با ایجاد راه آهن جهت متصل کردن خاورمیانه به اروپا به حاشیه راندن و کنار گذاشتن چین در خاورمیانه به هدف خود برسد. این همکاری که با هند رقیب چین در خاورمیانه مطرح شده است، می‌تواند ایران و چین را برای تعمیق همکاری در تکمیل این طرح بیشتر کند.

#### ۳-۴. ایجاد محدودیت برای نفوذ آمریکا در منطقه و افزایش نفوذ چین

همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، ایران و چین در خصوص یکجانبه‌گرایی آمریکا مواضع مشترکی دارند و هر دو دولت مخالف نفوذ آمریکا در خاورمیانه هستند و چین به آمریکا به عنوان عاملی بی‌ثبات‌کننده در خاورمیانه می‌نگرد و مداخلات آمریکا در خاورمیانه را عاملی برای تسلط این کشور بر منطقه بزرگ اوراسیا می‌داند و به طور نسبی از دولت‌های مخالف آمریکا حمایت کرده است. لازم به ذکر است چین به دنبال ایجاد ائتلاف‌های مقابله‌جویانه با آمریکا نیست و صرفاً سعی می‌کند مانع از موفقیت ایالات متحده در تجدید نفوذ سیاسی و اقتصادی‌اش در خاورمیانه شود. در بحث مسئله پرونده هسته‌ای ایران، چین طی این مدت مانع از گسترش دامنه تحریم‌های شورای امنیت بر علیه ایران شده و توانسته از شدت فشارهای غرب علیه ایران بکاهد، اما در خصوص ارجاع پرونده ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت ملل متحد همکاری کرده و در بحث صدور چندین قطعنامه بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد در کنار آمریکا ایستاده است. در ادامه نیز پس از خروج آمریکا از برجام نیز تاکید بر این داشته که بهترین راه‌حل برای حل مسئله هسته‌ای ایران بازگشت به برجام است، که البته اهداف منطقه‌ای نیز



پشت سر این موضع‌گیری در جریان است. از سوی دیگر چین نیز از روابط نزدیک با تهران برای اعمال فشار بر غرب در خصوص مساله تایوان و دیگر اختلافات با آمریکا و اروپا استفاده می‌کند.

خاورمیانه یکی از مهمترین مناطق مورد توجه امریکا در طول تاریخ روابط این کشور بوده است. طی سالهای اخیر عقب کشیدن امریکا از این منطقه خصوصاً در دوره ریاست جمهوری ترامپ، چین به موازات نیازهای خود از جمله بازار فروش برای محصولات خود و تأمین انرژی اقدام به توسعه روابط خود با کشورهای منطقه کرده است. اما در بین کشورهای قدرتمند منطقه از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس، ایران بیشترین تمایل را برای نزدیکی به چین نشان داده است. در مقابل کشورهای عربی به دلیل روابط دیرینه خود با امریکا و عدم تمایل حضور چین در منطقه به عنوان قدرت جایگزین امریکا رغبتی از نزدیک شدن به چین از خود نشان ندادند. اما جمهوری خلق چین طی سالهای اخیر با ایجاد سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در شرکت‌های عربی و همچنین به دلیل مناسب نبودن بازار داخلی ایران برای فروش کالاهای پیشرفته صنعتی و نفوذ به بازارهای عربی توانسته است نظر دول عربی را جلب کند. از طرفی دیگر چین هیچگاه تمایلی برای حضور در تنشهای منطقه‌ای و استفاده از این تنشها با حضور مستقیم خود در منطقه اعلام نکرده است. در همین راستا چین برای جلب اعتماد بیشتر و همچنین توسعه همکاری همزمان با ایران و دول عربی، نقش میانجیگر برای حل اختلافات بین عربستان و ایران را ایفا کرد. این اقدام چین برای ایرانی که مدتها بود به دنبال رفع تنشها با سعودی‌ها بود موجب شد تا به عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای زمینه‌های نفوذ بیشتر چین را به عنوان قدرت بزرگ آسیایی در منطقه تقویت کند. در واقع می‌توان گفت جنگ تجاری امریکا و چین بیش از پیش چین را بسمت خاورمیانه سوق می‌دهد و برای نفوذ بیشتر لاجرم باید از همکاری ایران برای تثبیت موقعیت خود استفاده کند.

### نتیجه‌گیری

ایران در منطقه‌ای واقع شده است که برای استراتژی و راهبرد یک جاده یک کمربند جمهوری خلق چین دارای اهمیتی اساسی و راهبردی است. بر همین اساس، از سال ۲۰۱۳ تاکنون این که این استراتژی جمهوری خلق چین عملیاتی شده است، روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین این به شدت افزایش یافته است. با این حال در دوره اوج جنگ تجاری چین و آمریکا، با توجه به تحریم‌های شدید ایالات متحده علیه ایران، جمهوری خلق چین خریدار نفت خود را از ایران کاهش داد. پس از پیروزی جو بایدن در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ ایالات متحده و خروج دونالد ترامپ از کاخ سفید، جمهوری خلق چین خرید نفت خود را از ایران افزایش داد. علاوه بر این تأثیر دیگری که در



روابط جمهوری خلق چین و ایران ایجاد شد به رویکرد حمایت گرایانه چین از سیاست‌های آمریکا بر می‌گردد. در این معنی جمهوری خلق چین که تا سال ۲۰۱۶ همای سیاست‌های آمریکا در قبال ایران بود، در دوره جنگ تجاری و دوره پس از آن کمتر از سیاست‌های ایالات متحده تمکین کرده است. علاوه بر این فشار ایالات متحده به هر دو کشور جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران موجب همگرایی بیشتر آن‌ها در کنار فدراسیون روسیه شده است. البته تقابل چین و ایالات متحده بیشتر اقتصادی، تقابل روسیه و آمریکا بیشتر ماهیت سیاسی با توجه به بحران‌های شرق اروپا و اوکراین دارد و اختلافات ایران و آمریکا شامل هر دو بعد اقتصادی و سیاسی است. همگرایی این سه کشور را می‌توان در پوشش رسانه‌ای آن‌ها در خصوص تحولات آمریکا و انتقادات آن‌ها به این کشور دنبال کرد. به صورت خاص و ویژه کشور در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا تقریباً و مواضع رسانه‌ای مشابهی داشتند. از دیگر پیامدهای جنگ تجاری آمریکا و چین برای ایران این بود که بالاخره پس از سال‌ها عضویت ناظر ایران در سازمان شانگهای، با وجود اینکه این کشور در لیست گروه اقدام مالی ایالات متحده قرار داشت توانست به عضویت این سازمان نائل شود. این امر نشان داد که جمهوری خلق چین در راستای اتخاذ سیاست‌های مستقل و یا گاهی اوقات متعارض با ایالات متحده آمادگی کامل دارد.

رهبران ایران نیز جنگ تجاری چین و ایالات متحده را فرصت بی‌نظیر برای خود می‌دانند زیرا همزمان با افزایش فشارها از سوی ایالات متحده بر ایران جمهوری خلق چین نیز مورد شدیدترین حملات از سوی آمریکا قرار گرفته است. خروج دولت ترامپ از توافق هسته‌ای با ایران در کنار حضور نظامی گسترده این کشور پیامدهای اقتصادی عمده‌ای را برای ایران دربر داشته است از سوی دیگر در تنگنا قرار دادن جمهوری خلق چین نیز موجب همگرایی این کشور با ایران گردیده است. همین امر باعث شده است که جمهوری خلق چین به یک شریک اقتصادی ضروری برای ایران تبدیل شود. آمار و ارقام تجارت دو کشور نشان می‌دهد روند تجاری رو کشور رو به افزایش گذاشته و جمهوری خلق چین از طرق متعدد در ایران سرمایه‌گذاری کرده است. از منظر نظامی نیز جمهوری خلق چین بسیاری از تسلیحات جمهوری اسلامی ایران را از اواخر دهه ۸۰ میلادی تأمین کرده است با افزایش فشارها بر ایران انتظار می‌رود که این روند نیز سیر تصاعدی بپیماید. علاوه بر این تشدید جنگ تجاری چین و آمریکا می‌تواند این وضعیت را برای ایران داشته باشد که کالاهای چینی را وارد کشور کند و تا حدودی از اثرات تشدید تحریم‌های آمریکا بکاهد. بنابراین در ذهن رهبران ایران، این تقابل و مناقشه تجاری می‌تواند به عنوان یک برگ برنده و یک فرصت بی‌نظیر محسوب شود.



با مطالعه روند فعلی روابط چین و ایران و تاثیرات جنگ تجاری آمریکا و چین بر احتمال افزایش این روابط، نویسندگان زمینه مناسبی برای تحقیق بیشتر در موارد ذیل را مد نظر قرار داده‌اند:

**نخست)** بررسی جایگاه و نقش ایران در سیاست خارجی جمهوری خلق چین با توجه به قرارداد همکاری ۲۵ ساله بین چین و ایران؛

**دوم)** بررسی قابلیت‌ها و پتانسیل‌های خلیج فارس برای افزایش مناسبات اقتصادی و امنیتی ایران و چین؛  
**سوم)** مطالعه امکان ایجاد بلوک متشکل و متحد از ایران، چین و روسیه برای مقابله با سیاست‌های تهاجمی غرب و آمریکا؛

**چهارم)** مطالعه و تحلیل جایگاه چین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و منطقه گرای؛  
**پنجم)** بررسی امکان افزایش سرمایه‌گذاری چین در ایران و شناسایی حوزه‌های جذاب و مفید برای سرمایه‌گذاری؛

همچنین پیشنهاد می‌شود شبکه‌ای از تیم‌های تخصصی اقتصادی برای بررسی امکان توسعه مناسبات اقتصادی ایران و جمهوری خلق توسط نهادهای ذیربط تشکیل شود تا بتوان از حداکثر پتانسیل‌های قرارداد همکاری ۲۵ ساله ایران و چین در حوزه گوناگون استفاده شود؛ مطالعات میدانی گسترده با کارگروه‌های ویژه برای بررسی جایگاه ایران در استراتژی جاده - کمربند چین ایجاد و تقویت شوند؛ کارگروه‌هایی برای افزایش تبادلات فرهنگی میان ایران و چین ایجاد گردند؛ زمینه‌های گردشگری و توریستی بین دو کشور فراهم آید؛ بازیگران و کنشگران همسو شناسایی شوند و یک بلوک واحد با حضور چین در راستای تقابل با سیاست‌های خصمانه ایالات متحده ایجاد شود؛ و در نهایت دستگاه‌های دیپلماسی در استراتژی جاده - کمربند جمهوری خلق چین فعال‌تر شوند.



- A look at the impact of the US-China trade war on consumers. (2018). CNBC. <https://www.cnn.com/video/2018/09/09/a-look-at-the-impact-of-the-us-china-trade-war-on-consumers.html>
- Andrews-Speed, P. (2014). China's Energy Crossroads: Forging a New Energy and Environmental Balance. The National Bureau of Asian Research (NBR). <https://www.nbr.org/publication/chinas-energy-crossroads-forging-a-new-energy-and-environmental-balance>
- Autor, D. H., Dorn, D., & Hanson, G. H. (2013). "The China syndrome: Local labor market effects of import competition in the United States", American Economic Review, 103(6), pp. 2121-2168. <https://doi.org/10.1257/aer.103.6.2121>
- Bekkers, E., & Schroeter, S. (2020). An economic analysis of the US-China trade conflict. WTO. [https://www.wto.org/english/res\\_e/reser\\_e/ersd202004\\_e.htm](https://www.wto.org/english/res_e/reser_e/ersd202004_e.htm)
- Blair, D., & Alexander, K. (2017). China's Intellectual Property Theft Must Stop. The New York Times. <https://www.nytimes.com/2017/08/15/opinion/china-us-intellectual-property-trump.html>
- Bloomberg. (2022). China Gorges On Cheap, Sanctioned Oil from Iran, Venezuela. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2022-01-10/china-buys-more-sanctioned-oil-from-iran-venezuela-at-a-bargain>
- Boak, J. (2018). AP FACT CHECK: Economists say Trump off on tariffs' impact. AP News. <https://apnews.com/c22c8a9cb69a44f194ca6a1360274ebc>
- Breuninger, K., & Schoen, J. W. (2019). US-China trade war is hurting farmers, but they're sticking with Trump. CNBC. <https://www.cnn.com/2019/08/07/us-china-trade-war-is-hurting-farmers-but-theyre-sticking-with-trump.html>
- Calabrese, J., 2020. China-Iran Relations: The Not-So-Special "Special Relationship". China Brief, 20(5).
- Cheng, E. (2019). China releases official document that blames America for the trade war. CNBC. <https://www.cnn.com/2019/06/02/china-releases-official-document-that-blames-america-for-the-trade-war.html>
- China Daily. (2018). The trade war has been going on for more than three years, and the United States has become "lonely". <https://cn.chinadaily.com.cn/a/202110/09/WS61619205a3107be4979f1989.html>
- Chong, T. T. L., & Li, X. (2019). "Understanding the China-US trade war: causes, economic impact, and the worst-case scenario", Economic and Political Studies, 7(2), pp. 185-202. <https://doi.org/10.1080/20954816.2019.1595328>
- Clark, G. (2018). What's Intellectual Property and Does China Steal It? QuickTake. Bloomberg. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2018-12-05/what-s-intellectual-property-and-does-china-steal-it-quicktake>
- Council on Foreign Relations. (2019). The U.S. Trade Deficit: How Much Does It Matter?. <https://www.cfr.org/backgrounders/us-trade-deficit-how-much-does-it-matter>
- DataBank. (2021). World Development Indicators. World Bank. <https://databank.worldbank.org/reports.aspx?source=2&series=EN.ATM.CO2E.PC>



- DeBarros, A., & Zumbun, J. (2020). Trump Administration Denying More Tariff-Exemption Requests. Wall Street Journal. <https://www.wsj.com/articles/trump-administration-denying-more-tariff-exemption-requests-11580736641>
- Dorning, M. (2019). Farm-Equipment Sales Plunge Most Since 2016 in Trade-War Fallout. Bloomberg. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2019-04-26/farm-equipment-purchases-plummet-as-trade-war-hits-rural-america>
- DOWNS, E. (2019). High Anxiety: The Trade War and China's Oil and Gas Supply Security. Columbia SIPA. <https://www.energypolicy.columbia.edu/research/commentary/high-anxiety-trade-war-and-china-s-oil-and-gas-supply-security>
- Feenstra, R. C., Ma, H., & Xu, Y. (2019). "US exports and employment", Journal of International Economics, 120, pp. 46-58. <https://doi.org/10.1016/j.jinteco.2019.05.002>
- FENG, J. (2021). U.S. Has Bigger Responsibility Than China to Heal Ties: Beijing Official. Newsweek. <https://www.newsweek.com/us-has-bigger-responsibility-china-heal-ties-beijing-official-1574714>
- Ferek, K. S. (2019). Furniture Retailers Start to Feel Tariff Pain More Acutely. -WSJ. <https://www.wsj.com/articles/furniture-retailers-start-to-feel-tariff-pain-more-acutely-11573476321>
- Freund, C. (2017). Three Ways to Reduce a Trade Deficit. Peterson Institute for International Economics. <https://www.piie.com/blogs/trade-and-investment-policy-watch/three-ways-reduce-trade-deficit>
- Greenwood, M. (2019). Poll: Voters want US to confront China over trade. TheHill. <https://thehill.com/policy/finance/459746-poll-voters-want-us-to-confront-china-over-trade>
- Hass, R. (2018). Trump's focus on China trade: Right target, wrong approach. Brookings. <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2018/06/14/trumps-focus-on-china-trade-right-target-wrong-approach/>
- Hufford, A. (2019). Manufacturers Cut Spending as Trade War Dents Confidence. Wall Street Journal. <https://www.wsj.com/articles/manufacturers-cut-spending-as-trade-war-dents-confidence-11567935002>
- Kapustina, L., Lipková, E., Silin, Y., & Drevalov, A. (2020). "US-China Trade War: Causes and Outcomes", SHS Web of Conferences, 73, pp. 1-13. <https://doi.org/10.1051/shsconf/20207301012>
- Kwan, C. H. (2020). "The China-US Trade War: Deep-Rooted Causes, Shifting Focus and Uncertain Prospects", Asian Economic Policy Review, 15(1), pp. 55-72. <https://doi.org/10.1111/aep.12284>
- Laker, B. (2020). Who's Winning the Trade War? And How Will It End? Forbes. <https://www.forbes.com/sites/benjaminlaker/2020/02/03/whos-winning-the-trade-war-and-how-will-it-end/?sh=46b7f91e5460>
- Lawder, D. (2021). U.S.-China trade war has cost up to 245,000 U.S. jobs: business group study. Reuters. <https://www.reuters.com/article/us-usa-trade-china-jobs-idUSKBN29J2O9>
- Lockett, H. (2019). US manufacturers hit harder than China's in trade war. Financial Times. <https://www.ft.com/content/e4aa3a80-0083-11ea-b7bc-f3fa4e77dd47>



Makin, T. (2019). Policy Options For Addressing the China-US Trade Imbalance. Australian Institute of International Affairs. <https://www.internationalaffairs.org.au/australianoutlook/policy-options-for-addressing-the-china-us-trade-imbalance/>

McGrath, M. (2019). Climate change: China coal surge threatens Paris targets. BBC News. <https://www.bbc.co.uk/news/science-environment-50474824>

McLaughlin, D., & Strohm, C. S. (2018). US Says Chinese Company Stole Micron Trade Secrets. Bloomberg. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2018-11-01/u-s-says-china-state-owned-co-stole-micron-trade-secrets>

Murray, B. (2019). Trade War Latest: United Nations, tariffs, economy, China, Trump. Bloomberg. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2019-11-06/trade-war-latest-united-nations-tariffs-economy-china-trump>

Nee Lee, Y. (2020). Trade war: 6 charts comparing US, China economies and markets in 2019. CNBC. <https://www.cnbc.com/2020/01/02/trade-war-6-charts-comparing-us-china-economies-and-markets-in-2019.html>

Newman, R. (2019). Trump's trade war has killed 300,000 jobs. Yahoo Finance. <https://finance.yahoo.com/news/trumps-trade-war-has-killed-300000-jobs-194717808.html>

Nicita, A. (2019). Trade and Trade Diversion Effects of United States Tariffs on China. UNCTAD Research Paper, 37.

Oh, S. (2018). Why is the U.S. accusing China of stealing intellectual property?. MarketWatch. <https://www.marketwatch.com/story/why-is-the-us-accusing-china-of-stealing-intellectual-property-2018-04-05>

Persistence of Donald Trump's China tariffs frustrates US business. (2020). Financial Times. <https://www.ft.com/content/fb775a22-eea5-44b4-8643-16c3f40a5d02>

Politi, J. (2020). Fears rise that US-China economic 'decoupling' is irreversible. Financial Times. <https://www.ft.com/content/c920bce2-360e-11ea-a6d3-9a26f8c3cba4>

Pramuk, J., & Tausche, K. (2019). Trump unveils \$16 billion aid for farmers hurt by China trade war. CNBC. <https://www.cnbc.com/2019/07/25/trump-unveils-16-billion-aid-for-farmers-hurt-by-china-trade-war.html>

President Donald J. Trump is Confronting China's Unfair Trade Policies. (2018). The White House. <https://trumpwhitehouse.archives.gov/briefings-statements/president-donald-j-trump-confronting-chinas-unfair-trade-policies/>

Rafizadeh, M. (2021). How the US-China trade war is a win for Iran. Arab News. <https://www.arabnews.com/node/1940946>

Rappeport, A. (2019). Farmers' Frustration with Trump Grows as U.S. Escalates China Fight. The New York Times. <https://www.nytimes.com/2019/08/27/us/politics/trump-farmers-china-trade.html>

Rappeport, A. (2020). U.S. Watchdog to Investigate Trump's Farm Bailout Program. The New York Times. <https://www.nytimes.com/2020/02/14/us/politics/trump-farm-bailout-investigation.html>

Rappeport, A., & Bradsher, K. (2019). Trump Says He Will Raise Existing Tariffs on Chinese Goods to 30%. The New York Times. <https://www.nytimes.com/2019/08/23/business/china-tariffs->



- [trump.html?campaign\\_id=60&instance\\_id=0&segment\\_id=16445&user\\_id=579ae23cfcbd75c9aac87cb571cc201c&regi\\_id=72995439ing-news](http://trump.html?campaign_id=60&instance_id=0&segment_id=16445&user_id=579ae23cfcbd75c9aac87cb571cc201c&regi_id=72995439ing-news)
- Rhodium group and the national committee, 2017 May, [www.us-china-fdi.com](http://www.us-china-fdi.com)
- Rogin, J. (2018). The United States is finally confronting China's economic aggression. The Washington Post. [https://www.washingtonpost.com/opinions/the-united-states-is-finally-confronting-chinas-economic-aggression/2018/03/25/3e0a2188-2f72-11e8-b0b0-f706877db618\\_story.html](https://www.washingtonpost.com/opinions/the-united-states-is-finally-confronting-chinas-economic-aggression/2018/03/25/3e0a2188-2f72-11e8-b0b0-f706877db618_story.html)
- Sarkar, S. (2018). Economists united: Trump tariffs won't help the economy. Reuters. <https://www.reuters.com/article/us-usa-economy-poll-idUSKCN1GQ02G>
- Schultz, J. D. (2019). Trump's trade war with China will be worth the fight. CNN. <https://edition.cnn.com/2019/08/15/perspectives/trade-war-trump-triumph/index.html>
- Smith, D. (2018). Trump plays down US-China trade war concerns: 'When you're \$500bn down you can't lose'. The Guardian. <https://www.theguardian.com/business/2018/apr/04/trump-china-trade-war-concerns-import-taxes-stock-market>
- Tankersley, J., & Landler, M. (2019). Trump's Love for Tariffs Began in Japan's '80s Boom. The New York Times. <https://www.nytimes.com/2019/05/15/us/politics/china-trade-donald-trump.html>
- Tianjie, M. (2016). China's 5 Year Plan for Energy – The Diplomat. The Diplomat. <https://thediplomat.com/2016/08/chinas-5-year-plan-for-energy/>
- Trade War with China Heats Up, But Tariff Effects Are Already Rippling Across U.S. (2018). NPR. <https://www.npr.org/2018/07/09/627376002/trade-war-with-china-heats-up-but-tariff-effects-are-already-rippling-across-u-s?t=1640729971816>
- US and China clash over "technology transfer" at the WTO. (2018). CNBC. <https://www.cnbc.com/2018/05/29/us-and-china-clash-over-technology-transfer-at-the-wto.html>
- Vanderklippe, N. (2018). In China, trade war fears stoke new criticism over the country's direction. The Globe and Mail. <https://www.theglobeandmail.com/world/article-in-china-trade-war-fears-stoke-new-criticism-over-the-countrys/>
- Vlados, C. (2020). "The Dynamics of the Current Global Restructuring and Contemporary Framework of the US-China Trade War", Global Journal of Emerging Market Economies, 12(1), pp. 4-23. <https://doi.org/10.1177/0974910119896636>
- What is the US-China trade war? (2020). South China Morning Post. <https://www.scmp.com/economy/china-economy/article/3078745/what-us-china-trade-war-how-it-started-and-what-inside-phase>
- Wiener, A., 2003. Constructivism: The Limits of Bridging Gaps.
- Wiseman, P. (2019). Latest Trump Tariffs Could Hit Consumers with Higher Prices. US News. <https://www.usnews.com/news/politics/articles/2019-08-30/tvs-to-shoes-this-time-consumers-face-pain-of-trump-tariffs?context=amp>
- Wu, J., Wood, J., Oh, K., & Jang, H. (2021). "Evaluating the cumulative impact of the US-China trade war along global value chains", World Economy, 44(12), pp. 3516-3533. <https://doi.org/10.1111/twec.13125>



Zaroli, J. (2018). As U.S. Flexes Its Muscles On Trade, Other Countries Are Beginning To Push Back. NPR. <https://www.npr.org/2018/06/08/618242932/as-u-s-flexes-its-muscles-on-trade-other-countries-are-beginning-to-push-back?t=1640716941373>

Zumbrun, J. (2020b). China Trade War Didn't Boost U.S. Manufacturing Might. Wall Street Journal. <https://www.wsj.com/articles/china-trade-war-didnt-boost-u-s-manufacturing-might-11603618203>